

تفاوت‌های جنسیتی

در سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی

دکتر الهه حجازی*، سهیلا فرناش**

چکیده: این مقاله برآمده از پژوهشی است که هدف آن، شناسایی تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی دانش آموزان سال سوم دبیرستان شهر تهران است. به این منظور ۴۰۰ دانش آموز دختر و پسر به صورت تصادفی از مناطق نوزده گانه آموزش و پرورش شهر تهران انتخاب شدند. برای بررسی سبک‌های هویت و تعهد هویت از پرسشنامه سبک‌های هویت (ISI)^۱ برزونسکی^۲ (۱۹۹۰) و (۱۹۸۹) که توسط وایت^۳ و همکاران (۱۹۹۸) مورد تجدید نظر قرار گرفته (ISI-6G)^۴، استفاده گردید. همچنین پرسشنامه کیفیت دوستی (حجازی و ظهره‌وند، ۱۳۸۰) برای بررسی کیفیت دوستی مورد استفاده قرار گرفت. تقابل دوستی، از طریق «گروه‌سنجی»^۵ محاسبه گردید. نتایج نشان داد که دختران در استفاده از سبک هویت اطلاعاتی بر پسران پیشی می‌گیرند. لیکن دختران و پسران در استفاده از سبک هویت هنجاری و سبک هویت مغشوش/اجتنابی و تعهد هویت، تفاوت معناداری نشان ندادند. همچنین در ارتباط با مولفه‌های کیفیت دوستی، دختران به صورت معناداری در صمیمیت و افشای خود و تقابل دوستی بر پسران برتری دارند. در مولفه‌های مجاورت و وفاداری و اعتماد، تفاوت معناداری بین دو جنس مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: تعهد هویت، سبک‌های هویت، کیفیت دوستی

مقدمه و طرح مسئله

تفاوت‌های جنسیتی به مجموعه خصوصیات و رفتارهایی گفته می‌شود که از سوی اجتماع از یک مرد یا یک زن انتظار می‌رود (جوانویک^۶، ۱۹۹۶). در این حوزه مفاهیمی نظیر نقش‌های جنسیتی و طرح‌واره‌های جنسیتی مطرح می‌شود. نقش‌های جنسیتی به مجموعه‌ای از انتظارات یا هنجارهای رفتاری دو جنس گفته

ehejazi@ut.ac.ir

fartash346@yahoo.com

1 -Identity Style Inventory

2 -Berzonsky

3 -White

4 -Identity Style Inventory- six grade

5 -Socioametric

6 -Jovanovic

* استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی

می‌شود. نقش‌های جنسیتی یاد گرفته می‌شوند و توسط عواملی مانند تعلیم و تربیت و اقتصاد تحت تاثیر قرار می‌گیرند (مایر^۱، ۲۰۰۲). بر خلاف عوامل زیستی دخیل در جنسیت، عوامل اجتماعی و فرهنگی متغیر هستند و با تغییر یا اصلاح آنها نقش‌های جنسیتی تغییر می‌کند (گالگر^۲، ۲۰۰۱).

طرح واره‌های جنسیتی، شبکه سازمان یافته‌ای از دانش درباره معنای مرد بودن یا زن بودن است. این طرح واره‌ها تحت تاثیر باورهای اجتماعی درباره ویژگی‌های زنان و مردان قرار دارند و خود نیز بر پردازش اطلاعات اجتماعی و عزت نفس اثر می‌گذارند (ولفولک^۳، ۱۹۹۵). در این مقاله، تفاوت‌های جنسیتی در زمینه هویت و روابط میان فردی مورد بررسی قرار گرفته است.

اریکسون^۴ (۱۹۶۸) معتقد است که افراد هشت مرحله روانی - اجتماعی^۵ پیاپی را تجربه می‌کنند که هر مرحله بر پایه موفقیت در مراحل پیشین بنا می‌شود. او معتقد بود که بزرگترین مشکلات تحولی، ضمن نوجوانی که پنجمین مرحله رشد است، رخ می‌دهد و تجربیات این مرحله از رشد می‌تواند بقیه زندگی بزرگسالی را تحت تاثیر قرار دهد. در این مرحله از رشد است که جستجو برای حرفه، ارزش‌ها و اعتقادات آغاز می‌گردد. من که هستم؟ به کجا می‌روم؟ و چه خواهیم شد؟ از جمله پرسش‌هایی هستند که در این تجربه مطرح می‌شوند.

اریکسون (۱۹۵۶) اعتقاد دارد زمانی که شکل‌گیری هویت^۶ به خوبی پیش برود، صمیمیت^۷ که در هم آمیختن هویت‌هاست، ممکن می‌شود. جوانی که در مورد هویت خود مطمئن نیست، از صمیمیت بین فردی کناره می‌گیرد یا خود را در روابطی مشغول می‌کند که آشفته است و فاقد در هم آمیختن حقیقی با دیگری و «چشم‌پوشی از خود»^۸ است. مارسیا (۱۹۶۶) مبحثی را تحت عنوان پایگاه هویت مطرح کرد تا مفهوم هویت اریکسون را عملیاتی و قابل آزمون کند. او در شکل‌گیری هویت، دو روند اساسی را بیان می‌کند: بحران^۹ و تعهد^{۱۰}. «بحران» یا جستجوی هویت، دوره‌ای است که فرد درباره تقلیدها و همانند سازی‌های^{۱۱} گذشته، انتظارات، نقش‌ها و سنت‌های اجتماعی

1 -Myers

2-Gallagher

3 -Woolfolk

4- Erikson

5 -psychosocial

6 -identity

7 -Intimacy

8 -Self-Abandon

9 -Crisis

10 -Commitment

11 -identification

پرسش‌گری می‌کند و در مورد علایق، استعدادها و جهت‌گیری‌های خودش تأمل می‌کند و نقش‌ها و آرمان‌ها و اشکال مختلف هویت را مورد آزمایش قرار می‌دهد. تعهد، تصمیم‌گیری‌های نسبتاً بادوام و با ثبات نسبی در زمینه‌های مختلف هویت و جهت‌گیری تلاش‌های فرد به سوی این تصمیم‌گیری‌هاست. مارسیا (۱۹۶۶) با ترکیب حضور یا فقدان این معیارها (بحران و تعهد) چهار پایگاه هویت موفق، دیررس، زودرس و مغشوش را مشخص کرده است.

مدل پردازش شناختی اجتماعی هویت (برزونسکی^۱، ۱۹۸۹) به مطالعه راهبردها و فرایندهایی می‌پردازد که افراد برای ساخت و اصلاح هویت خود به آن می‌پردازند یا از آن اجتناب می‌کنند. براساس این دیدگاه، هویت یک ساختار شناختی و چارچوب ارجاعی شخصی است که برای تفسیر تجارب و اطلاعات مربوط به خود و پاسخ به پرسش‌هایی درباره مفهوم، معناداری و مقصود زندگی به کار گرفته می‌شود. مدل شناختی اجتماعی هویت بر مفروضه سازندگی مبتنی است. یعنی افراد نقش فعالی را در ساختن تفکر خود نسبت به اینکه چه کسی هستند و نسبت به واقعیتی که در آن زندگی می‌کنند، ایفا می‌کنند (برزونسکی، ۱۹۹۳).

هنگامی که تلاش‌های سازگارانه موفقیت‌آمیز نباشند بازخورد منفی، نیاز به بازبینی و اصلاح جنبه‌هایی از ساختار هویت را ایجاد می‌کند. بر این اساس، رشد هویت مبادله دیالکتیکی مداومی است بین فرایندهای «جذب» که به وسیله ساختار هویت اداره می‌شود و فرایندهای «انطباق» که توسط بافت‌های فیزیکی و اجتماعی که نوجوانان در آن زندگی و رشد می‌کند، هدایت می‌شود (برزونسکی، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۳).

براساس این نظریه سه سبک پردازش اطلاعات مشخص شد: سبک هویت اطلاعاتی^۲، سبک هویت هنجاری^۳ و سبک هویت مغشوش / اجتنابی^۴. افراد با سبک هویت اطلاعاتی، به صورت فعال و آگاهانه به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آنها می‌پردازند و سپس اطلاعات مناسب را مورد استفاده قرار می‌دهند (برزونسکی، ۱۹۸۹، ۱۹۹۰، ۱۹۹۲؛ برزونسکی و سالیوان^۵، ۱۹۹۲).

نوجوانان با سبک هویت هنجاری، نسبت به موضوعات هویتی و تصمیم‌گیری‌ها به هم‌نوایی^۶ با انتظارات و دستوره‌های افراد مهم و گروه‌های مرجع می‌پردازند. آنها به طور خودکار، ارزش‌ها و عقاید را بدون

1 -Berzonsky

2 -informational style

3 -normative style

4 -diffuse / avoidant style

5 -Sullivan

6 -Comforming

ارزیابی آگاهانه می‌پذیرند و درونی می‌کنند. تحمل کمی برای مواجه شدن با موقعیت‌های جدید و مبهم دارند و نیاز بالایی برای بسته نگه داشتن ساختار خود نشان می‌دهند (برزونسکی، ۱۹۹۰، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸؛ برزونسکی و کینی^۱، ۱۹۹۵؛ برزونسکی و سالیوان ۱۹۹۲).

افراد با سبک هویت سردرگم/اجتنابی، تعلل و درنگ می‌کنند و تا حد ممکن سعی در اجتناب از پرداختن به موضوعات هویت و تصمیم‌گیری دارند (برزونسکی، ۱۹۸۹، ۱۹۹۰، ۱۹۹۲؛ برزونسکی و نی‌میر^۲، ۱۹۹۴). در موقعیت‌های تصمیم‌گیری، آنها ضمن اطمینان کمی که به توانایی شناختی خود دارند، معمولاً پیش از تصمیم‌گیری، احساس ترس و اضطراب نیز دارند و در تصمیم‌گیری معمولاً از راهبردهای تصمیم‌گیری نامناسب مانند اجتناب کردن، بهانه آوردن و دلیل تراشی استفاده می‌کنند (برزونسکی و فراری^۳، ۱۹۹۶).

تعهد، یک چارچوب ارجاعی از ارزش‌ها و باورهاست که ممکن است خود ساخته یا تجویز شده از جانب دیگران باشد (برزونسکی، ۲۰۰۳). تعهد، درجاتی از سرمایه‌گذاری شخصی است که یک فرد نسبت به شغل یا اعتقادات خود ابراز می‌کند (مارسیا، ۱۹۶۶). افرادی که بر سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت هنجاری تکیه می‌کنند، تعهدات هویت قوی‌تر و روشن‌تری نسبت به افراد مغشوش/اجتنابی کسب کرده‌اند. کمبود تعهدات استوار در افراد مغشوش/اجتنابی، آنان را در موقعیت آسیب‌پذیری قرار می‌دهد.

گرچه استفاده از سبک‌های پردازش اطلاعاتی و هنجاری، هر دو با تعهد هویت همبستگی مثبت دارد، اما شکل‌گیری و ماندگاری این تعهدات، مبتنی بر فرایندهای متفاوتی است. در جهت‌گیری هنجاری، ممکن است «تعهدات شناختی زودرس» شکل بگیرد (چانویتز و لانگر^۴، ۱۹۸۹ به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۴). تعهدات شناختی زودرس، بدون عملیات ذهنی و پردازش و ارزیابی اطلاعاتی شکل می‌گیرند: تعهدات بر پایه عواطف و با عمق کم بنا می‌شوند، در حالی که شواهد کمی از آنها حمایت می‌کنند و آنها را موجه نشان می‌دهند.

راتانسی و فونیکس^۵ (۱۹۹۷) به نقل از برزونسکی، (۲۰۰۵) با رویکردی پسامدرن نسبت به هویت، آن را غیرمتمرکز، پویا، متعدد، وابسته به بافت، نسبی، سیال و چند بخشی می‌دانند. به نظر می‌رسد که وقتی از هویت‌های چندگانه صحبت می‌کنیم، دچار اشتباه شده‌ایم و مفهوم هویت‌های چندگانه با در نظر گرفتن

1 -Kinney

2 -Neimeyer

3 -Ferrari

4 -Chanowitz & Langer

5 -Rattansi & Phoenix

مولفه‌های یک هویت واحد تفاوت می‌کند. هویت، ساختار مفهومی سطح بالایی است که کوشش می‌کند مولفه‌های جدای از هم را به صورتی پرمعنا و قابل درک، وحدت و سازمان بدهد. ساختار هویت، خصوصاً مفروضه‌های ضمنی، معیارها و تعهدات ارزشی که «هسته سخت»^۱ آن را ایجاد می‌کنند، احساسی از یگانگی و تداوم خود را برای افراد فراهم می‌آورند و به عنوان یک «دیدگاه شخصی»^۲ در دنیای پست مدرن عمل می‌کنند.

اریکسون (۱۹۶۸) معتقد است که فرایند رشد هویت ممکن است برای زنان و مردان متفاوت باشد. او جهت‌گیری‌های شغلی را برای مردان و علاقه‌مندی به ازدواج و پرورش فرزندان را برای زنان، محور اصلی شکل‌گیری هویت می‌داند. ماریسا (۱۹۶۶) اعتقاد دارد در حالی که مردان در پایگاه هویت دیررس، بیشترین شباهت را به هویت موفق دارند، در زنان بیشترین شباهت، بین هویت موفق و هویت زودرس است. ماریسا نتیجه می‌گیرد که زنان برای مورد تایید واقع شدن، تحت فشار هستند. آنها ارزش‌های اجتماعی را انتقال می‌دهند. برای آنها ثبات هویت، خیلی مهم است. سازگاری برای آنها، هویت موفق در زندگی است، بدون اینکه برای پیشرفت هویتشان تلاش کنند.

گیلیگان^۳ (۱۹۸۲) از مطالعات خود نتیجه می‌گیرد که مسیر هویت زنان ممکن است متفاوت با مردان باشد. در نظریه اریکسون، هویت مقدم بر صمیمیت است. اما در زنان به نظر می‌رسد که هویت و صمیمیت ترکیب می‌شود و صمیمیت پیشی می‌گیرد و طولانی‌تر می‌شود. هویت زن، آنگونه که برای خودش مطرح است، در ارتباط با دیگران تعریف می‌شود. زنان هویت موفق را کمتر از طریق تلاش رقابت آمیز و بیشتر از طریق تلاش همراه با تشریک مساعی به دست می‌آورند.

در بحران شکل‌گیری هویت، دوستی‌های نوجوان بر پایه اشتراکات افراد قرار دارد و به ایجاد یا تثبیت احساس مبهمی از خود کمک می‌کند. ضمن این دوره پویا، افراد گذشته، حال و آینده خود را تلفیق می‌کنند و صحبت با دوستان جنبه‌های مهمی از این فرایند را مشخص می‌کند (دولیچ و همکاران، ۲۰۰۵). پس از آنکه دوستی شکل گرفت، زنان و مردان ممکن است در مقدار زمانی که با دوستان صرف می‌کنند، فعالیت‌هایی که به آن می‌پردازند و آنچه درباره آن سخن می‌گویند متفاوت باشند. الگوی متفاوت فعالیت‌های زنان و مردان با دوستانشان تثبیت شده است. حرف زدن، محتوای دوستی زنان را تشکیل می‌دهد. در حالی که

1 -hard core

2 -personal stand point

3 -Gilligan

دوستی مردان مبتنی بر فعالیت‌هاست و ترجیح می‌دهند به فعالیت‌هایی نظیر همراهی در وقایع ورزشی بپردازند. (برای مثال جونز و آریس، ۱۹۸۳ به نقل از فهر، ۱۹۹۶).

زنان بیشتر در مورد روابط نزدیک و سایر حالت‌های شخصی صحبت می‌کنند، در حالی که صحبت مردان بیشتر در ارتباط با ورزش، کار و وسیله نقلیه است. صحبت از عواطف بین مردان تقریباً مشکل است. مردان تمایل دارند از درجات بالایی از صمیمیت با یکدیگر اجتناب کنند (آرگیل^۱، ۱۹۶۷ به نقل از تستو^۲، ۲۰۰۴).

فهر^۳ (۱۹۹۶) اعتقاد دارد که دختران در نوجوانی تاکید بیشتری بر صمیمیت دارند و آن را به وسیله افشای خود و سخنان محرمانه نشان می‌دهند. اعتماد به معنای اطمینان و پرداختن به افشای خود صمیمانه تفسیر می‌شود و زنان بیشتر از مردان به آن می‌پردازند. مردان به مقوله‌های اجتماعی نظیر لذت بردن از همراهی با دوستان توجه دارند. ثورن^۴ (۱۹۸۶ به نقل از دولیچ، ۲۰۰۵) نیز در ارتباط با تفاوت‌های جنسیتی در دوستی، اعتقاد دارد که مردان، دوستی را به صورت گروهی شکل می‌دهند. نگرانی کمتری برای تقابل در حمایت و مراقبت دارند و استرس بیشتری را در فعالیت‌های هدفمند واقعی تجربه می‌کنند.

لامپرز و لامپرز^۵ و کوتلر^۶ (۱۹۹۳ به نقل از دولیچ و دیویس، ۲۰۰۵) پیشنهاد می‌کنند که تفاوت‌های بین دوستی زن با زن و مرد با مرد، در نوجوانی ممکن است با الگوی اجتماعی شدن زنان توضیح داده شود که در آن، روابط بین فردی نظیر صمیمیت و دوستی دو طرفه که در برگیرنده اکتشاف، درک متقابل و اطمینان است، با اهمیت تلقی می‌شوند. در مقابل مردان تربیت می‌شوند تا برای فعالیت و موفقیت، ارزش قائل شوند.

باتوجه به آنچه بیان شد، پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به هدف‌های زیر است:

مقایسه سبک‌های هویت در دختران و پسران دانش‌آموز

شناسایی کیفیت دوستی و تقابل دوستی برحسب جنسیت

مقایسه تعهد هویت دختران و پسران دانش‌آموز

1 -Argyle
2 -Testo
3 -Fehr
4 -Thorne
5 -Lampers & Lampers
6 -Kuttler

روش شناسی

جمعیت نمونه: تعداد ۴۰۰ دانش آموز (۲۰۰ دختر و ۲۰۰ پسر) پایه سوم رشته علوم تجربی، شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ به روش نمونه تصادفی از میان مناطق ۱۹ گانه آموزش و پرورش تهران انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

پرسشنامه سبک‌های هویت (ISI-6G): پرسشنامه سبک‌های هویت (ISI) اولین بار به وسیله برزونسکی (۱۹۸۹) ساخته شد و سپس دوبار توسط خود او مورد تجدید نظر قرار گرفت. این پرسشنامه ۴۰ آیتم دارد که ۱۱ آیتم آن در ارتباط با سبک هویت اطلاعاتی، ۱۰ آیتم آن در ارتباط با سبک هویت مغشوش/اجتنابی و ۹ آیتم آن مربوط به سبک هویت هنجاری است. علاوه بر سه سبک هویت ۱۰ آیتم نیز در ارتباط با تعهد هویت است. پاسخ‌ها براساس مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای تنظیم شده است. بررسی‌ها نشان داده که ISI به این دلیل که برای دانشجویان کالج طراحی شده است، از ساختار زبانی پیچیده‌ای استفاده کرده و اجرای آن در میان گروه‌های جوانتر با تحصیلات پایین‌تر، از سازگاری نتایج تحقیق با نظریه هویت جلوگیری می‌کند. لذا وایت و همکاران (۱۹۹۸) کوشیدند تا ابزاری مشابه با ISI را با دستور زبان و ساختار ساده‌تر طراحی کنند. در نتیجه مقیاس ISI-6G برای سطح خواندن پایه ششم طراحی شد. این عمل با استفاده از روش توازن سازی مقابله‌ای^۱ با نسخه اصلی صورت گرفت.

برزونسکی (۱۹۹۲) آلفای کرونباخ ۰/۶۲ را برای سبک هویت اطلاعاتی و آلفای ۰/۶۶ را برای سبک هویت هنجاری و آلفای ۰/۷۳ را برای سبک هویت مغشوش/اجتنابی گزارش کرد. وایت و همکاران (۱۹۹۸) برای نسخه تجدید نظر شده پرسشنامه سبک هویت، آلفای کرونباخ ۰/۵۹ و ۰/۶۴ و ۰/۷۸ را برای سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری و مغشوش/اجتنابی و آلفای ۰/۷۶ را برای تعهد هویت به دست آوردند.

در پژوهش حاضر برای بررسی ضریب قابلیت اعتماد، از روش همسانی درونی استفاده شد و برای سبک هویت اطلاعاتی آلفای کرونباخ ۰/۶۸، برای سبک هویت هنجاری آلفای کرونباخ ۰/۶۵ و برای سبک هویت مغشوش/اجتنابی آلفای کرونباخ ۰/۶۸ بدست آمد. به منظور بررسی اعتبار سازه مقیاس سبک هویت، روش تحلیل عامل اکتشافی و چرخش واریماکس با روش مؤلفه اصلی مورد استفاده قرار

۶۸ پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۵

گرفت و سه عامل سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری و سبک هویت مغشوش/اجتنابی استخراج شد.

جدول شماره یک نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه سبک‌های هویت را نشان می‌دهد.

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه کیفیت دوستی

مقیاس و شماره گویه‌ها در ISI-6G پژوهش حاضر											
عامل ۳	عامل ۲	عامل ۱	سبک مغشوش	عامل ۳	عامل ۲	عامل ۱	سبک هنجاری	عامل ۳	عامل ۲	عامل ۱	سبک اطلاعاتی
			۳		۰/۶۴		۴			۰/۴۱	۲
۰/۵۹			۸		۰/۴۳		۱۰				۵
۰/۴۷			۱۳		۰/۴۶		۱۹			۰/۶۰	۶
۰/۵۲			۱۷		۰/۸۶		۲۱			۰/۷۴	۱۶
۰/۴۶			۲۴				۲۳				۱۸
۰/۴۷			۲۷		۰/۴۸		۲۸			۰/۶۳	۲۵
۰/۶۷			۲۹				۳۲			۰/۵۰	۲۶
۰/۵۳			۳۱		۰/۶۴		۳۴			۰/۴۶	۳۰
۰/۵۷			۳۶		۰/۶۴		۴۰			۰/۶۴	۳۳
۰/۴۱			۳۸								۳۵
										۰/۴۴	۳۷

پرسشنامه کیفیت دوستی: برای بررسی کیفیت دوستی پرسشنامه کیفیت دوستی (حجازی و ظهره‌وند، ۱۳۸۰) مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه ۱۴ آیتم دارد که آیت‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ آن به صورت معکوس نمره‌گذاری شده است. پاسخ‌ها براساس مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای تنظیم شده است. در پژوهش حاضر برای بررسی ضریب قابلیت اعتماد، از روش همسانی درونی استفاده گردید. آلفای کرونباخ برای عامل اول (صمیمیت و افشای خود) به میزان ۰/۷۵ و برای عامل دوم (مجاورت) به میزان ۰/۸۰ و برای عامل سوم (وفاداری و اعتماد) به میزان ۰/۷۱ به دست آمد. به‌منظور بررسی اعتبار سازه پرسشنامه کیفیت دوستی، روش

تحلیل عامل اکتشافی و چرخش واریماکس با روش مؤلفه اصلی مورد استفاده قرار گرفت. سه عامل بدست آمد، عامل اول (صمیمیت و افشای خود)، عامل دوم (مجاورت) و عامل سوم (وفاداری و اعتماد) است. جدول شماره ۲: ماتریس عاملی چرخش یافته برای ۱۴ آیتم مقیاس کیفیت دوستی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: ماتریس عاملی چرخش یافته برای ۱۴ آیتم مقیاس کیفیت دوستی

عامل‌ها			آیتم‌ها
وفاداری و اعتماد	مجاورت	صمیمیت و افشای خود	
		۰/۷۰	۸
		۰/۶۳	۴
		۰/۶۰	۷
		۰/۶۰	۱۰
		۰/۵۸	۹
		۰/۵۵	۶
		۰/۵۲	۵
	۰/۸۴		۲
	۰/۸۳		۳
	۰/۷۶		۱
۰/۸۲			۱۲
۰/۷۶			۱۱
۰/۷۳			۱۳

پرسشنامه تقابل دوستی: برای تعیین میزان تقابل در دوستی، از آزمون گروه سنجی استفاده شد. گروه سنجی روشی برای توصیف روابط اجتماعی موجود بین افراد یگ گروه است (بست^۱، ۱۳۷۶). یکی از روش‌های متداول نمره‌گذاری در آزمون گروه سنجی، شمردن تعداد دفعاتی است که هر فرد توسط دیگران انتخاب می‌شود، صرف نظر از ترتیب انتخابها. در پژوهش حاضر به دلیل آنکه انتخابها اولویت‌بندی نشده‌اند، از این روش استفاده گردید. تقابل دوستی به عنوان یکی از جنبه‌های کیفیت دوستی در کنار عوامل دیگر (صمیمیت و افشای خود، مجاورت، وفاداری و اعتماد) در تحلیل‌ها وارد خواهد شد.

یافته‌ها

به منظور بررسی تفاوت‌های جنسیتی بین سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی و تحلیل استنباطی داده‌ها، شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه می‌گردد:

جدول ۳ مقایسه میانگین دختران و پسران در ارتباط با متغیرهای پژوهش

متغیرها	بالاترین نمره در پاسخها	میانگین دختران	انحراف استاندارد دختران	میانگین پسران	انحراف استاندارد پسران
سبک هویت اطلاعاتی	۵	۴/۲۷	۰/۴۷	۴/۰۸	۰/۵۷
سبک هویت هنجاری	۵	۳/۶۳	۰/۶۲	۳/۶۵	۰/۶۹
سبک هویت مغشوش / اجتنابی	۵	۲/۶۰	۰/۶۷	۲/۴۸	۰/۷۴
تعهد هویت	۵	۳/۷۴	۰/۵۸	۳/۷۸	۰/۶۱
صمیمیت و افشای خود	۴	۲/۹۱	۰/۷۲	۲/۵۲	۰/۷۱
مجاورت	۴	۱/۲۷	۰/۹۷	۱/۲۵	۰/۹۲
وفاداری و اعتماد	۴	۳/۵۹	۰/۶۸	۳/۵۲	۰/۶۲
تقابل	۱۰۰	۷۲/۶۰	۲۶/۴۸	۵۴/۹۰	۲۸/۹۱

مقایسه دختران و پسران در جدول ۱ نشان می‌دهد که دختران بیش از پسران از سبک هویت اطلاعاتی استفاده می‌کنند. در ارتباط با کیفیت دوستی، دختران در صمیمیت و افشای خود و تقابل به صورت چشمگیری نمرات بالاتری نسبت به پسران به دست آورده‌اند. برای آزمون تفاوت بین دختران و پسران در سبک‌های هویت از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. جدول ۴ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد. از نتایج آزمون اثرات بین گروهی، می‌توان فهمید که دختران و پسران تنها در سبک هویت اطلاعاتی تفاوت معناداری را نشان می‌دهند و دختران نسبت به پسران نمرات بالاتری را کسب کرده‌اند ($M = 4/27$) و ($M = 4/08$). برای آزمون تفاوت بین دو جنس در متغیر تعهد هویت، از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شده است. جدول ۵ نتایج آزمون t مستقل برای تفاوت دو جنس در متغیر تعهد هویت را نشان می‌دهد.

تفاوت های جنسیتی ۷۱

جدول ۴ - نتایج آزمون اثرات بین گروهی تحلیل واریانس چند متغیری جنس و سبک‌های هویت

منبع	متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	آمار F	سطح معناداری
جنس	سبک هویت اطلاعاتی	۳/۳۷	۱	۱۲/۳۱	۰/۰۰۱
	سبک هویت هنجاری	۴/۲۹	۱	۰/۰۹	۰/۷۵
	سبک هویت مغشوش / اجتنابی	۱/۳۷	۱	۲/۷۶	۰/۰۹

جدول ۵ - نتایج آزمون t مستقل برای تفاوت دو جنس در متغیر تعهد هویت

سطح معناداری t	t	آزمون لوین		رعایت اصل همگنی واریانس‌ها
		سطح معناداری	F	
۰/۱۹۳	-۱/۳۰۳	۰/۳۷	۰/۷۷	

بررسی نتایج آزمون t نشان می‌دهد که دختران و پسران تفاوت معناداری در متغیر تعهد هویت نشان نمی‌دهند. برای آزمون تفاوت بین دو جنس در متغیر کیفیت دوستی نیز تحلیل واریانس چند متغیری MANOVA انجام شد. جدول ۶ نتایج آزمون اثرات بین گروهی تحلیل واریانس چند متغیری جنس و کیفیت دوستی را نشان می‌دهد.

جدول ۶ - نتایج آزمون اثرات بین گروهی تحلیل واریانس چند متغیری جنس و کیفیت دوستی

منبع	متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	آماره f	سطح معنادار
جنس	صمیمیت و افشای خود	۱۵/۶۵	۱	۳۰/۵۸	۰/۰۰۰
	مجاورت	۴/۶۹	۱	۰/۰۵۲	۰/۸۱۹
	وفاداری و اعتماد	۰/۵۱	۱	۱/۲۱۷	۰/۲۷۱
	تقابل	۳۱۳۴۶/۷۰۳	۱	۴۰/۷۹	۰/۰۰۰

براساس نتایج بدست آمده، دختران در دو مؤلفه صمیمیت و افشای خود ($M = 2/91$ و $M = 2/52$) و تقابل دوستی، ($M = 72/60$ و $M = 54/90$) نمرات بالاتری را نسبت به پسران کسب می کنند.

بررسی و تفسیر نتایج

نتایج پژوهش حاکی از آن است که دختران، تفاوت معناداری را در استفاده از سبک هویت اطلاعاتی نسبت به پسران نشان می دهند. در ارتباط با سبک هویت هنجاری و سبک هویت مغشوش / اجتنابی تفاوت معناداری بین دو جنس مشاهده نمی شود. این نتایج با پژوهش های برزونسکی (۱۹۹۲) و برزونسکی و کوک^۱ (۲۰۰۰) که زنان به صورت معناداری نسبت به مردان نمرات بالاتری را در سبک هویت اطلاعاتی کسب می کنند، همخوانی دارد. برزونسکی علت این تفاوت را مشارکت بیشتر زنان در شبکه ها و گروه های اجتماعی مطرح می کند و معتقد است که عضویت در گروه های اجتماعی موجب افزایش رفتار هدفمند و خودجوش می شود و چنین رفتارهایی با استفاده از سبک هویت اطلاعاتی همسویی دارد.

برزونسکی و کوک (۲۰۰۰) ضمن پژوهش خود دریافتند که تعامل بین سبک های هویت و افت تحصیلی، به وسیله جنس واسطه گیری می شود. آنها در تفسیر این نتایج، احتمال می دهند که دختران با تکیه به شبکه اجتماعی قوی تری که دارند، در برخورد با مشکلات تحصیلی مورد حمایت قرار می گیرند. دختران هنگام روبه رو شدن با مشکلات درسی، به جستجوی کمک می پردازند و به گرمی، مورد حمایت شبکه دوستی قرار می گیرند. همچنین دختران در کلاس درس، روابط گرمتری با معلمین خود برقرار می کنند. در مقابل به نظر می رسد که توجه پسران بیشتر معطوف به موفقیت و رقابت باشد. آنها ترجیح می دهند که هنگام روبرو شدن با مشکلات درسی، کمتر به جستجوی کمک بپردازند و زمانی هم که نیاز خود را به کمک و حمایت، ابراز می کنند، روابط بین فردی مبتنی بر فعالیت و رقابت نمی تواند به قدر کافی حمایت کننده باشد. پسران کمتر به پیوندهای صمیمانه و متقابل با معلمین خود توجه دارند. در نتیجه پسران بیش از دختران در خطر افت تحصیلی قرار می گیرند.

برتری زنان در سبک هویت اطلاعاتی، نیازمند بررسی تحولات اجتماعی اخیر در کشور ایران است. موفقیت های چشمگیر زنان در عرصه های فرهنگی، آموزشی و حرفه ای در دو دهه اخیر، انتظارات جدید

اجتماعی را مطرح کرده است. زنان به اتکای تجربیات اجتماعی در دو دهه اخیر دریافته‌اند که اگر خود را صرفاً به نقش‌ها و انتظارات سنتی محدود نسازند، می‌توانند در تمامی عرصه‌ها همگام با مردان پیش بروند و گاه در ایفای نقش‌های اجتماعی بر آنان پیشی بگیرند. زنان تمایل دارند که در تصمیم‌گیری‌های زندگی به حق انتخاب آزاد دست یابند و خود را در چارچوب‌های از پیش تعیین شده محدود نکنند. به نظر می‌رسد که شرکت زنان در عرصه‌های اجتماعی، روابط خانوادگی و عاطفی آنان را مخدوش نکرده و چنانکه در ادامه بحث خواهیم دید، زنان در روابط عاطفی و دوستانه نیز نسبت به مردان برتری نشان می‌دهند.

در بخش دیگری از تحلیل، به منظور آزمون تفاوت بین دو جنس در متغیر تعهد هویت، از آزمون t مستقل استفاده شد و نتایج نشان داد که دختران و پسران تفاوت معناداری را در متغیر تعهد هویت نشان نمی‌دهند. برای بررسی تفاوت دختران و پسران در مولفه‌های کیفیت دوستی، از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که دختران به صورت معناداری نمرات بالاتری را در دو مولفه صمیمیت و افشای خود و تقابل در دوستی کسب کرده‌اند. در ارتباط با مولفه‌های مجاورت و وفاداری و اعتماد تفاوت معناداری بین دو جنس مشاهده نشد. شمار زیادی از پژوهش‌ها نشانگر آن است که زنان بیش از مردان، معطوف به برقراری ارتباط با دیگران هستند. درحالی که مردان بیشتر گرایش به استقلال و خودمختاری دارند. دختران به دشواری «خودمختاری» و پسران به دشواری «توانایی صمیمیت» را کسب می‌کنند. دختران ضمن ایجاد روابط صمیمانه و متقابل با دوستان، به افشای خود می‌پردازند و ابعاد متفاوتی از تعریف خود را ابراز می‌دارند. آنها از دوستان خود، بازخوردهایی دریافت می‌کنند که گاه تایید کننده است و گاه نیاز به بازبینی و اصلاح ساختار هویت را نشان می‌دهد. این روابط صمیمی و متقابل، استفاده از سبک هویت اطلاعاتی را تسهیل می‌کند.

پاتن و اسپیرز^۱ (۱۹۸۶) به نقل از شکوهی یکتا (۱۳۸۰) معتقدند احساس پذیرش، تعلق و ارزش شخصی، از جمله ویژگی‌هایی هستند که از طریق دوستی در زندگی ایجاد می‌شوند. دوستی، احساس امنیت را به ارمغان می‌آورد. دوستی پیوندی انسانی و حیاتی برای انسان‌هاست. ماین^۲ (۱۹۸۴) به نقل از فقیرپور، (۱۳۷۴) معتقد است که در دوره نوجوانی، همسالان کارکرد روان‌درمانی دارند. یعنی آنها به دوستان خود کمک

1 -Patten & Spears

2 -Maine

می‌کنند تا با مشکلات شخصی و اضطرابشان کنار بیایند. سطوح پایین‌تر روابط صمیمانه و متقابل در پسران، موجب می‌شود از مزایای سرشار روابط دوستی، کمتر بهره‌مند شوند.

منابع

- بست، جان (۱۳۷۶). *روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری*. ترجمه حسن پاشاشریفی و نرگس طالقانی. تهران: انتشارات رشد.
- حجازی، الهه و ظهره‌وند، راضیه (۱۳۸۰). «بررسی ملاک‌ها و کیفیت دوستی در کودکان و نوجوانان دختر». *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، (۳)، ۱، ۲۰-۱.
- شکوهی یکتا، محسن. کاووسی، شهین و اکبری‌زاده، علی (۱۳۸۰). «مقایسه نگرش دانش‌آموزان ایرانی و آمریکایی نسبت به دوستی با دانش‌آموزان ناتوان». *مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*. سال ششم، شماره ۱، ۲۰۱-۱۸۱.
- فقیرپور، مقصود (۱۳۷۲). «نقش حمایت اجتماعی در بهداشت روانی». *مجله تربیت، سال دهم*، ۹۳-۷۹.

- Berzonsky, M. D.** (2005). "Ego identity: A personal standpoint in a postmodern world." *Identity: An International of Theory and Research*, 5, 125-136.
- Berzonsky, M. D.** (2004). "Identity peocessing style, self-construction, and Personal epistemic assumptions: A social – cognitive perspective." *European Journal of Developmental Psychology*, 1, 303-315.
- Berzonsky, M. D.** (2004). "Identity style, parental authority, and identity commitment." *Journal of Youth and Adolescence*, 22, 213-220.
- Berzonsky, M. D.** (2003). "Identity style and well-being: Does Commitment matter?" *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3, 131-142.
- Berzonsky, M. D.** (1998). "A self-regulatory model of identity development." *Paper peresent at the biennial meetings of the International Society for the study of behavioral development*. Berne, Switzerland.
- Berzonsky, M. D.** (1997). "Identity style: Current research and future directions." *Paper Presented at the Meetings of Society for Research in Identity Formation*, Miami Beach, FL
- Berzonsky, M. D.** (1993). "Identity style, gender and social-cognitive reasoning." *Journal of Adolescent Research*. 8, 289-296.
- Berzonsky, M. D.** (1992). "Identity style and coping strategies." *Journal of Personality*, 60, 771-788.

- Berzonsky, M. D.** (1990), *Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation*. In Neimeyer, G. & Neimeyer, R. A. (Eds), *Advances in personal construct psychology* (1, 155-186). Greenwich. CT: JAI.
- Berzonsky, M. D.** (1989). "Identity style: Conceptualization and measurement." *Journal of Adolescent Research*. 4, 268-282.
- Berzonsky, M. D. & Kuk, L. S.** (2000). "Identity status, identity processing style, and the transition to university." *Journal of Adolescent Research*. 15, 81-98.
- Berzonsky, M. D., Nurmi, J. E., & Tammi, K.** (1999). "Identity processing orientation and cognitive and behavioral strategies: Similarities and differences across different contexts." *European Journal of Personality*. 13, 105-120.
- Berzonsky, M. D. & Ferrari, J. R.** (1996). "Identity orientation and decisional strategies." *Journal of Personality and Individual Differences*, 20, 597-606.
- Berzonsky, M. D. & Kinney, A.** (1995). "Identity style and need for cognitive closure." *Paper presented at the Biennial Meetings of the Society for Research on Identity Formation*, Dog Island, FL.
- Berzonsky, M. D. & Neimeyer, G. J.** (1994). "Ego identity status and identity processing orientation: The moderating role of commitment." *Journal of Research in Personality*, 28, 425-435.
- Berzonsky, M. D. & Sullivan, C.** (1992). "Social-cognitive aspects of identity style: Need for cognition, experiential openness, and introspection." *Journal of Adolescent Research*, 7, 140-155.
- Dolich, C. & Davis, D. A.** (2005). <http://students.haverford.edu/cdolich/final%20paper.htm>.
- Erikson, E. H.** (1968). *Identity, Youth, and Crisis*. New York: Norton
- Erikson, E. H.** (1956). *Childhood and Society*. New York: Norton.
- Fehr, B.** (1996). *Friendship Processes*. New York, CA: Sage.
- Gallagher, T.** (2001). <http://www.eoc.org.hk/TE/edu/gendiff>.
- Gilligan, C. (1982). *In a different voice: Psychological Theory and Women's Development*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Jovanovic, J. and Drevis, C. (1996). http://www.nncc.org/Caurriculum/sac52_math.science.girls.html.
- Marcia, J. E. (1966), Development and Validation of ego-identity status, *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
- Myers, D.G. (2002) . *Social Psychology*. (7th Ed). New York: McGraw-Hill.
- Testo, R. (2004). <http://www.people.wcsu.edu/maccarneyh/acad/testo.html>.

۷۶ پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۵

White, J.M., Wampler, R.s., Winn, K.J. (1998). The identity style inventory: A revision with a sixth-grade reading level (ISI-6G). *Journal of Adolescent Research*, 132, 223-245 .

Woolfolk, A.E. (1995). *Educational Psychology*. (6th Ed). New York: Pearson.